



## ضرورت اجرای پیوست فرهنگی در تدوین استراتژی فرهنگ عمومی کشور

مهران فرجی، عبدالرحیم رحیمی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (مسئول)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷

### چکیده

در جهان پهناور و پرتلاطم امروزی و به واسطه پیشرفت علم و فناوری و دسترسی و ارتباط سریع مردم جهان با یکدیگر، تنوع فرهنگی به یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع مختلف تبدیل شده و خود باعث پدیدار گشتن فرهنگ‌هایی چندلایه و نوپدید شده است که می‌تواند در شکل دادن شیوه‌های نوین زیستی در آینده‌ای نه چندان دور موثر باشد. در این میان، فرهنگ عمومی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه، نقشی اساسی در ایجاد هم‌دلی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و مذاهب مختلف دارد. از این رو، توجه به پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی امری ضروری است. پیوست فرهنگی، به معنای توجه به تنوع فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی است. سیاستمداران و برنامه‌ریزان فرهنگی و هنری کشور باید با در نظر گرفتن تمامی جوانب پیوست‌های فرهنگی جامعه نسبت به اتخاذ و عملیاتی نمودن تصمیمات و راهبردهای فرهنگی کشور اقدام نمایند. این امر می‌تواند از طریق اقدامات مختلفی مانند آموزش، اطلاع‌رسانی، و برنامه‌ریزی فرهنگی انجام شود. در این پژوهش، ابتدا به اهمیت پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی پرداخته شده است. سپس، راهکارهای عملی برای تحقق این مهم بر اساس جامعه آماری و مستندات موجود، ارائه شده و نتیجه‌ی حاصل از پژوهش حاضر به تبیین اهمیت و ضرورت اجرای پیوست فرهنگی در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی و هنری کشور می‌پردازد و راهکارهایی را برای عملیاتی نمودن آن ارائه می‌دهد.

**کلمات کلیدی:** پیوست فرهنگی، استراتژی فرهنگی، فرهنگ عمومی، فرهنگ، برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی و هنری ایران

**مقدمه**

فرهنگ واژه ای کلان و با تعاریف و مفاهیم متعدد است که توسط اندیشمندان مختلف مفاهیم متنوعی برای آن تعریف و در مجامع علمی به آن ها پرداخته شده است و در واقع پرداختن به آن در این مجال کوتاه عملاً امکان پذیر نخواهد بود و نتایج حاصل از آن به جز کلی گویی، برآورد علمی خاصی را در بر نخواهد داشت، از این روی و با توجه به محوریت اصلی موضوعی که پژوهش حاضر در پی آن است، شاید بتوان تا حد زیادی مسیر روشن تری را طی نموده و نتایج حاصل از آن بتواند در ادامه ی پژوهش های دیگر محققین موثر واقع شود و همچنین بتواند راهکارهایی عملی را برای سیاستمداران و برنامه ریزان راهبردی فرهنگی ایران پیشنهاد دهد.

اگر در تعریفی کوتاه پیوست فرهنگی را به معنای توجه به تنوع فرهنگی در برنامه ریزی های فرهنگی معرفی کنیم باید تمامی ابعاد آن را در نظر داشته باشیم، «رصد آثار و پیامد های فرهنگی طرح ها، لوایح، تصمیمات و مصوبات، پروژه ها و اقدامات در دستگاه ها و قوای سه گانه و بخش خصوصی و توجه به اثرگذاری مستقیم یا غیر مستقیم موارد ذکر شده در جامعه ( در حالی که اساساً هدف اصلی انقلاب اسلامی گسترش و حاکمیتی ارزش و فرهنگ اسلامی است ) مسئله ای ضروری و اجتناب ناپذیر است و عدم توجه به روند متناسب سازی طرح ها و تصمیمات و اقدامات باعث توسعه نامتوازن و پیدایش معضلات و بعضاً بحران های فرهنگی در سطح و موضوعات مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی می شود.» ( عامری ۱۳۹۳: ۳۶)

با تعریف فوق، می توان ابعاد مختلفی را در این کثرت بخشی به ایجاد تنوع های فرهنگی تنوع فرهنگی موثر دانست مواردی چون: **تنوع قومی** و وجود اقوام مختلف با زبان، آداب و رسوم، و فرهنگ های متفاوت؛ **تنوع مذهبی** با وجود ادیان و مذاهب مختلف با باورها و ارزش های متفاوت؛ **تنوع نژادی** با وجود افراد مختلف با نژادهای متفاوت در یک کشور، که کشور ایران نیز دارای همین ویژگی منحصر به فرد می باشد و تنوع نژادی و قومیتی یکی از چالش های بحث برانگیز در برنامه ریزی های فرهنگی می تواند باشد و **تنوع جنسیتی** که وجود افراد مختلف با جنسیت های متفاوت، لزوم نیاز سنجی و پرداختن به ویژگی های جنسیتی آن ها را در سطح برنامه ریزی کلان فرهنگی مورد چالش قرار می دهد.

پیوست فرهنگی در واقع مجرای است که از طریق آن پیشرفت کشور بدون آسیب به هویت فرهنگی و بومی و بدون تغییر ارزش های فرهنگی و دینی، انجام می شود. گرچه جهت گیری پیوست فرهنگی به سمت حفظ ارزش ها و میراث فرهنگی است در همان حال زمینه ساز اجرای موفق و صحیح طرح های عمرانی نیز خواهد بود (قادری ۱۳۹۰، ۳۱-۳۰ به نقل از: بنیانیان، ۱۳۸۹) از این رو برای توسعه جامعه و مدیریت بحران ها نیاز به بازشناسی پیوست فرهنگی داریم. به عقیده پالمر فرهنگ در هر برنامه ریزی توسعه ای و منطقه ای بایستی به کار گرفته شود (افشاری



و بنیادی نائینی، ۱۳۹۳، ۲، به نقل از: پالمر، ۲۰۰۴). در این مرحله، ارزش ها و میراث فرهنگی، بازشناسی، پالایش و ارزشیابی و مورد پشتیبانی قرار می گیرد.

### بیان مسئله

مقوله پیوست فرهنگی اگرچه در کشور ما برای اولین بار در برنامه پنجم توسعه بنا بر عملیاتی شدن نهاد اما سالهاست این امر در کشورهای پیشرفته عملی شده و پیگیری می شود. تمام کشورهای توسعه یافته در صورتی مجوز اجرای پروژه های صنعتی و اقتصادی را می دهند که بازخورد فرهنگی آن پروژه قابل پیش بینی و مثبت ارزیابی شود. ( بنیادی، ۱۳۸۸: ۳۵) اما عملیاتی شدن پیوست فرهنگی ابتدا نیاز به شناخت ابعاد مختلف فرهنگ عمومی دارد لذا در این پژوهش در راستای باور پذیری خط مشی گذاران فرهنگی و مردم از ابعاد پیوست فرهنگی طرح ها، ابتدا مفاهیم کلیدی آن را مطرح نموده ایم.

فرهنگ، یک مفهوم گسترده و پیچیده است که تعریف واحد و مشخصی برای آن وجود ندارد. با این حال، به طور کلی می توان فرهنگ را به مجموعه ای از باورها، ارزش ها، آداب و رسوم، و رفتارها که توسط اعضای یک گروه یا جامعه مشترکاً پذیرفته شده اند، تعریف کرد که در حقیقت با این تعریف عام، می توانیم آن را در این پژوهش ذیل عنوان « **فرهنگ عمومی** » بیاوریم چرا که فرهنگ، پدیده ای اجتماعی است که از طریق فرآیند یادگیری و انتقال از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. فرهنگ عمومی، نقش مهمی در شکل دهی هویت افراد و جوامع ایفا می کند و مجموعه ای از باورها، اعتقادات و ارزش های اساسی یک گروه یا جامعه را به همراه ارزش ها و معیارهای سنجش آن جامعه برای خوب و بد، درست و غلط، و ارزشمند و بی ارزش معیارهایش در نظر می گیرند.

عوامل دیگری چون آداب و رسوم، رفتارها و هنجارهای اجتماعی که توسط اعضای یک گروه یا جامعه پذیرفته شده اند و رفتار، نحوه واکنش و تعامل افراد با یکدیگر و با محیط پیرامون خود را نیز می توان از دیگر فاکتورهای شکل دهی به این فرهنگ عمومی در جامعه معرفی نمود. حال با این گستردگی در موضوعات فرهنگی که آمیخته با تمام ابعاد زندگی انسان های یک جامعه می باشد مدیریت و برنامه ریزی راهبردی فرهنگی، خود چالشی مهم برای سیاستگذاران است؛ چراکه اگر در برنامه ریزی ها و خط مشی گذاری های فرهنگی خود در سطح کلان، تنوع های فرهنگی یا اصطلاحاً « **پیوست فرهنگی** » را مد نظر نداشته باشند ممکن است اجرای برنامه های خط مشی گذاری شده، آثار و تبعات جبران ناپذیری را بر جامعه تحمیل نماید و اصلاح آن سال ها زمان و انرژی از منابع انسانی، مادی و معنوی آن را اتلاف نماید.

### ضرورت و اهمیت



همانطور که اشاره شد فرهنگ، دارای ابعاد مختلفی است که علاوه بر موارد یاد شده در فوق می‌توان به فرهنگ مادی، شامل محصولات و ابزارهای ساخته شده توسط انسان است و فرهنگ غیرمادی، شامل باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، و رفتارهای یک گروه یا جامعه نیز اشاره کرد و از آنجایی که فرهنگ، نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی ایفا می‌کند لذا در جریان برخورد هر فرد در جامعه با موضوعات مطرح شده؛ کارکردهای فرهنگی متنوعی را از خود نشان می‌دهد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- شکل‌دهی هویت: فرهنگ، نقش مهمی در شکل‌دهی هویت فردی و جمعی ایفا می‌کند.
- سازگاری با محیط: فرهنگ، به افراد کمک می‌کند تا با محیط پیرامون خود سازگار شوند.
- انتقال دانش و تجربه: فرهنگ، به انتقال دانش و تجربه از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند.
- حفظ نظم اجتماعی: فرهنگ، به حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از بروز اختلافات و تنش‌ها کمک می‌کند.

اما سوال اساسی اینجاست که به چه میزان می‌توان اجرای پیوست فرهنگی را در کشور ایران با کارکردهای فوق‌الذکر منطبق دانست؟! در حالی که ضرورت و اهمیتی که پژوهشگران این مقاله را بر آن داشته است که به این موضوع بپردازند، دقیقاً همین عملیاتی نشدن آن در کشور است. با این تعریف و دسته‌بندی فوق می‌توان بر ضرورت و اهمیت اجرای پیوست فرهنگی که مورد پژوهش در این مقاله است بیشتر پی برد و تاکید نمود. «مجموعه ارتباطات و فعالیت‌هایی که در این عرصه صورت می‌گیرد تا با حفظ و تقویت اعتقادات و باورهای عمیق یک جامعه ارزش‌های برآمده از آن را در روابط جامعه گسترش دهد و از این طریق، نظم و انضباطی هدفمند در مجموعه رفتارهای افراد یک جامعه سامان دهد تحت عنوان «نظام فرهنگی» نام می‌برد حال اگر به دو خصوصیت مهم افراد در تعاملات اجتماعی به شرح زیر توجه کنیم:

۱. تاثیر اعتقادات و گرایشات درونی افراد بر همه تصمیمات و رفتارهای روزمره آن‌ها در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی،
۲. تاثیر پذیری افراد از محیط اجتماعی و فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی.

این نکته را قابل قبول می‌سازد که بین این چهار گروه از فعالیت‌ها داده و ستاده‌ای مستمر وجود دارد و شناخت آن‌ها مقدمه درک فلسفه وجودی «پیوست فرهنگی» و چگونگی سازماندهی آن است، نمودار زیر این موضوع را نشان می‌دهد. (بنیادی، و محمدنژاد، ۱۳۸۸: ۴۱)

### اهداف پژوهش



با تعاریف فوق، فرهنگ، پدیده‌ای پویا و در حال تغییر است. فرهنگ‌های مختلف، تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند و در این راستا پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی، اهمیت زیادی یافته و نقش خود را در این راهبردها نمایان می‌سازد این امر می‌تواند به موارد زیر کمک کند. تنوع فرهنگی، یکی از ویژگی‌های مهم جوامع امروزی است در این میان، فرهنگ عمومی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه، نقشی اساسی در ایجاد همدلی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و مذاهب مختلف دارد لذا پژوهشگر در این مقاله با هدف تبیین نقش تاثیرگذار پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی، به معنای توجه به تنوع فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به مطالعه، گردآوری اطلاعات و بیان دیدگاه‌های خود پرداخته است.

### سوالات پژوهش

پرسش‌ها و سوالات اساسی این پژوهش را با توجه به رویکردی که پژوهشگر دنبال می‌کند می‌توان در سه بخش توصیفی، تحلیلی و کاربردی به شرح زیر ارائه نمود:

#### الف) پرسش‌های توصیفی

- پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی، به چه معناست؟
- چه عواملی بر پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی تأثیر می‌گذارند؟
- چگونگی پیاده‌سازی پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی کشور، چگونه است؟

#### ب) پرسش‌های تحلیلی

- پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی، چه تاثیری بر افزایش آگاهی و حساسیت عمومی نسبت به تنوع فرهنگی دارد؟

- پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی، چه تاثیری بر ایجاد همدلی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و مذاهب مختلف دارد؟

- پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی، چه تاثیری بر پیشگیری از بروز اختلافات و تنش‌های فرهنگی دارد؟

#### ج) پرسش‌های کاربردی

- چه راهکارهایی برای تحقق پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی، وجود دارد؟
- کدام یک از راهکارهای تحقق پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی، موثرتر است؟
- چگونه می‌توان پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی را ارزیابی کرد؟

### ادبیات پژوهش



در این پژوهش، ضمن ارج نهادن به راه پیموده شده توسط دیگر محققین و اندیشه ورزان که باب مطالعه را به این فصل رسانده اند، سعی بر آن است که با اتکاء بر آرا و دستاوردهای پیشین، کاستی ها و موضوعات جدیدی که در این راستا بود آمده است را احصاء نموده و درصدد ارائه راهکاری برای عملیاتی شدن نقش پیوست فرهنگی در سیاستگذاری فرهنگ عمومی کشور پردازد، بی شک یافته های این پژوهش نیز کامل نخواهد بود و می تواند برای بسط و تکمیل این موضوع مهم که با سرنوشت یک کشور آمیخته است راه را برای دیگر پژوهشگران هموار نموده و به مدد آنان موضوع را غنای بیشتری بخشد. لذا در این مجال، ضمن بررسی مفاهیم اصلی و کلیدی در مهندسی فرهنگی و پیوست فرهنگی به تحولات روز در توسعه اکوسیستم های نوآورانه فرهنگی پرداخته و نتایج حاصله این مقاله در این خصوص به ارائه دیدگاه های خود می پردازد.

### پیشینه تحقیق

در عرصه ی سیاستگذاری فرهنگی مطالعات خوبی در سال های اخیر در کشور و سطح بین الملل صورت گرفته و کتاب ها و مقالات ارزشمندی نیز در این باب موجود است که هم از منابع داخلی و هم از منابع خارجی در این مورد می توان بهره جست. اما با توجه به رویکرد انحصاری این پژوهش که پیرامون ضرورت اجرای پیوست فرهنگی در سیاستگذاری فرهنگی می باشد، با مروری بر منابع موجود شاهد آن بودیم که به استثناء برخی قوانین و بخش نامه های حاکمیتی در در ادامه به آن ها اشاره می شود به انضمام تعداد محدودی کتاب و مقاله، اشاره نمود:

- نظام نامه پیوست فرهنگی طرح های مهم و کلان کشور، (مصوب جلسه ۷۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی)
  - کتاب کلیاتی بر مهندسی و پیوست فرهنگی تألیف نویسندگان: علی بنیادی نائینی، امیر محمد نژاد و داود هادیفر و تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۸ تألیف و تدوین شده است.
  - کتاب پیوست فرهنگی به قلم داود عامری که در سال ۱۳۹۳ چاپ گردیده و به تعاریفی از تبیین پیوست فرهنگی در کشور می پردازد.
- مقاله با عنوان بررسی میزان شناخت مدیران فرهنگی درباره پیوست فرهنگی در برنامه های سازمانهای اجرایی، نوشته فائزه عطایی و فرهاد امام جمعه،
- کتاب پیوست فرهنگی: ضرورت های وجودی، راهکارها و فرآیندهای تدوین، حسن بنیانیان و بسیاری و کتب و مقالات دیگر که در اثنای مطالب گریزی به آن ها زده شده است.

### روش پژوهش



در این پژوهش که با استفاده از روش بنیادی صورت گرفته است ابتدا روابط متغیر های شکل دهنده فرهنگ عمومی مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد و سپس با استفاده از داده های آماری و منابع کتابخانه ای نسبت به بیان استدلالات عقلایی و قیاسی، به جمع بندی و ارائه راهکارهای عملیاتی خود می پردازد.

### فرهنگ و نقش آن در نظام های اجتماعی

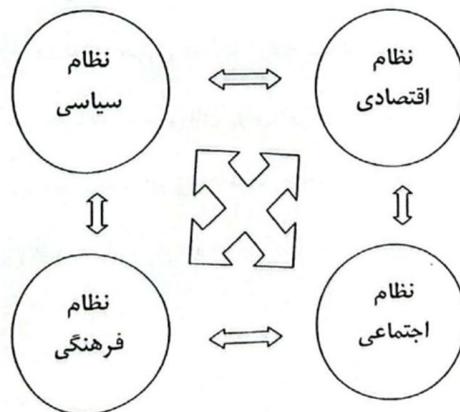
شاید بتوان در تعریفی عامه و برگرفته از مجموع آراء صاحب نظران و اندیشمندان این حوزه، فرهنگ را می توان مجموعه ای از معانی مشترک تعریف کرد این معانی مشترک، ارزش ها، اصول، شیوه های رفتار و کل تولیدات مادی و غیر مادی را شامل می شود که نتیجه خلاقیت انسان در زمان ها و مکان های مختلف است. (رشیدپور، مرادی ۱۳۹۹: ۱۹). این شامل ایده ها، رفتارها و طرز تفکر و درک مردم از جهان اطراف است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. فرهنگ نقش مهمی در شکل دهی هویت های فردی و جمعی، ایجاد احساس تعلق و شکل دهی به هنجارهای اجتماعی دارد. این شامل جنبه های مختلفی مانند زبان، مذهب و اعتقادات، هنر، موسیقی، ادبیات، آشپزی، سنت ها و میراث فرهنگی، آیین ها و نهادهای اجتماعی است. این عناصر به هویت و تنوع منحصر به فرد جوامع، مناطق و ملل مختلف کمک می کنند. تنوع فرهنگی دارایی ارزشمندی است زیرا درک متقابل، گفتگوی بین فرهنگی و درک دیدگاه های مختلف را تقویت می کند. خلاقیت، نوآوری و انسجام اجتماعی را در جوامع ترویج می کند. با این حال، تنوع فرهنگی همچنین می تواند در برنامه ریزی های فرهنگی برای بخش های دولتی و حاکمیتی و غیر دولتی و خصوصی چالش برانگیز باشد.

فرهنگ پیوند اصلی میان اعضای یک جامعه انسانی را تشکیل می دهد. فرهنگ شامل باورها، ارزش ها و نگرش های یک نظام اجتماعی است. این مدل های ذهنی را ارائه می دهد که ما به آنها اشاره می کنیم، آن مفروضات پنهانی که عمیقاً در هسته حافظه جمعی ما لنگر انداخته اند (قرجه داغی، ۲۰۱۱، ۳۲). با توجه به موضوع اکوسیستم و رابطه ای که بین نحوه زیست انسان با محیط پیرامونی خود را بیان و ارائه می دارد شاید بهترین تعریفی که مترادف و همسان با تعریف واژه فرهنگ بیان کرد را بتوان در چند تعریف مرتبط و معتبر از این موضوع عنوان کرد: « فرهنگ عبارت است از نحوه زندگی کردن ما انسان ها در طبیعت (و این شامل جنبه های زیست شناختی زندگی انسان هم می شود فرهنگ آن معانی مشترکی است که ما ایجاد می کنیم و در زندگی روزمره با آن ها سروکار داریم. (استوری، ۲۰: ۱۳۹۷) فرهنگ با همه پیچیدگی ها، ابهام ها و پتانسیل های چندگانه اش در مرکز هر فرآیند تغییر قرار دارد. اما فرهنگ یک متغیر غیر مستقیم است. نمی تواند ایجاد شود، بلکه بر اساس شرایط حاکم بر نظام اجتماعی پدیدار می شود. همین امر در مورد نوآوری نیز صادق است (Wallner، ۲۰۱۱).



مشکل برنامه ریزی های فرهنگی امروزه این است که نوآوری ها را نوید داده و جنبه ای نمایشی و ویتروینی را از این موضوع ارائه کرده و بیشتر به ترسیم افقی ایدئالیستی از موضوع می پردازند و کمتر به ارائه الگویی برای اجرای آن پرداخته می شود ، اگرچه نوآوری کیفیت نوظهور مدل های برنامه ریزی معاصر است. طبق تعریف، کیفیت نوظهور را نمی توان عملیاتی کرد بلکه می توان برای آن نسبت به نیازهای هدف ، خط مشی گذاری نمود، از این روی مطالعات فرهنگی و سیاستگذاری با رویکرد فرهنگی می تواند در این مورد بسیار راهگشا باشد.

اتخاذ این دیدگاه که فرهنگ عبارت است از رفتارها و فرایندهای ایجاد معانی مشترک به این معنا نیست که به اعتقاد دست اندرکاران مطالعات فرهنگی فرهنگ کلیتی هماهنگ و انداموار است برعکس در مطالعات فرهنگی اعتقاد بر این است که متون بر سازنده فرهنگ واجد تاکیدهای چندگانه هستند (استوری، ۲۲: ۱۳۹۷) با توجه به آنچه گفته شد در نمودار زیر ارتباط چهارسویه پیوست فرهنگی با نظام های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه آورده شده است که در آن می بینیم که تمامی این عوامل در ارتباطی متقابل با یکدیگرند و بر یکدیگر موثر می باشند.



نمودار شماره ۱) ارتباط چهارسویه پیوست فرهنگی با نظام های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه

### مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی و هنری

در حالی که یک اکوسیستم نوآوری به طور ارگانیک تکامل می یابد، چندین عنصر توانایی آن را برای پیشرفت تعریف می کنند، از جمله افراد، سیاست گذاری، بودجه، فرهنگ، بازارها و زیرساخت های پشتیبانی. رهبر یک سازمان، برای تقویت یک اکوسیستم نوآوری، ابتدا باید این عناصر را درک و سپس از آن ها در راهبردهای خود استفاده کند. تدوین راهبردهای یک سازمان با رویکرد فرهنگی که مورد بحث این پژوهش می باشد یک عمل پویا و نوظهور است. مفاهیم جدید مفروضات چالش برانگیز و واژگانی است که مدت ها پذیرفته شده است، کلمات می





توانند برای افراد مختلف معانی بسیار متفاوتی داشته باشند، و تعداد بی‌نهایتی از برداشت‌های ظریف از فرهنگ وجود دارد. احترام و ارج نهادن به تجربیات گوناگون و فراهم کردن فرصت برای گفت‌وگو محترمانه، یک اصل کلیدی در فرآیند برنامه‌ریزی فرهنگی است که با درک مفاهیم اکوسیستمی فرهنگ آغاز می‌شود.

موفقیت استراتژی‌های تغییر یا ایجاد سیستم‌های نوآوری را نوآوری‌های علمی و فناوری، تعداد محصولات جدید و ثبت اختراعات، رونق مناطق و بنگاه‌ها و ایجاد مشاغل جدید نشان می‌دهد. با این حال، نتایج کمتر قابل مشاهده‌ای از فرآیند نوآوری در رابطه با ایجاد دانش، طراحی مجدد نرم‌افزار فرهنگی از آنچه به عنوان نوآوری درک می‌شود و در مفاهیم مدیریتی جدید برای حفظ و ایجاد نوآوری سازمانی وجود دارد. مقالات این شماره به شناسایی موانع نوآوری و ابزارهای غلبه بر آنها مرتبط با موضوع اخیر کمک می‌کند. اولین مانع برای نوآوری، معضل سرمایه انسانی افراد آموزش دیده ناکافی در مدیریت نوآوری است. دوم، کمبود مکانیسم‌های سازمانی مؤثر برای تحقق پتانسیل کامل نوآوری‌هایی است که در یک محیط به دست آمده است تا آنها را به جایی که در محیط دیگر مورد نیاز است منتقل کند. (Pohlmann, 2005:1)

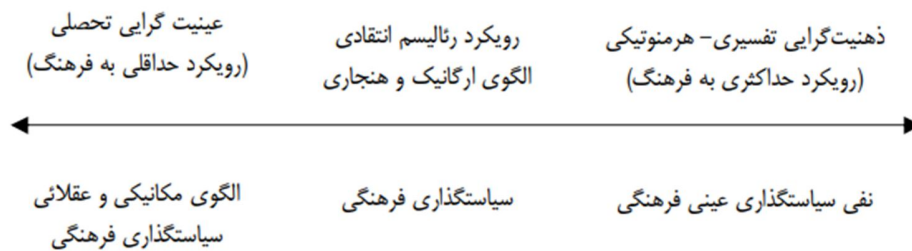
وظیفه مدیریت استراتژیک هر شرکت شناسایی منابع پایدار مزیت رقابتی است که نشان‌دهنده راهی برای دستیابی به اهداف تجاری و مزیت رقابتی است. مدیریت کسب و کار باید قادر به تعریف عواملی باشد که اساساً بر فعالیت نوآورانه کسب و کار تأثیر می‌گذارد. رهبران نوآوری تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل تعیین‌کننده هستند که به آنها اجازه می‌دهد موقعیت خود را در بازار حفظ کنند. شناسایی این عوامل تعیین‌کننده منبع کلیدی دانش برای تعریف یا تعدیل استراتژی‌های شرکتی، امکان ایجاد مزایای پایدار و ساخت و عملکرد کارآمد اکوسیستم‌های نوآوری کشورها بر اساس تعاملات متقابل عواملی است که منجر به توسعه پایدار می‌شود. هدف این مقاله شناسایی ترکیبی از عوامل تعیین‌کننده نوآوری در مدل استراتژیک نوآوری پویا (Dynamic Innovation Model) (DISM) است که باعث ایجاد و حفظ مزیت رقابتی رهبران نوآوری در کشورهای منتخب اروپایی متعلق به گروه نوآوران متوسط می‌شود. به همین ترتیب، نویسندگان مجموعه‌ای ترکیبی از عوامل منحصر به فرد را تعریف می‌کنند که (به طور اساسی در استراتژی شرکت تعبیه شده است) تأثیر قابل توجهی بر تولید نوآورانه کسب و کار خواهد داشت که یکی از عناصر کلیدی اکوسیستم‌های نوآورانه است. عوامل کلیدی تعیین‌کننده موفقیت رهبران و پیروان نوآوری عمدتاً عبارتند از: فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی، همکاری با شرکای مختلف، و بازاریابی و طراحی. نتایج به وضوح نشان می‌دهد که برای رهبران نوآور، عوامل تعیین‌کننده کلیدی تأثیر مثبتی بر نوآوری‌های تولید شده دارند. (Kotkova Striteska, 2020)

نقش پیوست فرهنگی در برنامه‌ریزی فرهنگی

فرهنگی بودن انقلاب اسلامی تنها درخواستگاه ظهور و بروز انقلاب یا روش کسب جذابیت اقبال و نهایتاً پیروزی نبوده است بلکه نظام اسلامی در روند تکامل خود اعم از ایجاد بقا استقرار و توسعه خود نیز فرهنگ محوری را به عنوان مرکز ثقل سیاست‌ها و راهبردها و همچنین نقشه راه خود در نظر داشته است و با تصویب سیاست‌ها و اصول پیوست فرهنگی در نظام نامه ای که بدین نام طراحی و تصویب و ابلاغ شده است شاهد رویکرد نظری و اهمیت حاکمیتی کشور به این موضوع هستیم.

در نمودار زیر سه نمونه جهت گیری در سیاستگذاری فرهنگی کشور از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایرانی در رویکرد پیوستاری فرهنگی را می بینیم که در ادوار مختلف نشان دهنده آن است که دولت های مختلف گاه با نگاهی حداکثری به موضوعات فرهنگ عمومی و گاه با کمترین توجه به آن‌ها پرداخته اند و گاه نیز رویکردی خنثی داشته اند.

#### نظریات گوناگون درباره سیاستگذاری فرهنگی



در سال‌های اخیر شاهد آن بودیم که در هر سه رویکرد فوق در اجرایی شدن پیوست فرهنگی عملاً ناکام مانده و همچون بسیاری از مصوبات دیگر بر روی کاغذ باقی مانده است. از سوی دیگر با توجه به آنچه که تا کنون ذکر شد می‌توان چالش‌های اساسی که در ایجاد یک راهبرد نوآورانه پویا به عنوان متغیرهای نوظهور، خود نمایی می‌کنند را مورد ارزیابی قرار داده و از نتایج یافته‌های به دست آمده در راستای سیاستگذاری با رویکرد فرهنگ به کاربرست که از جمله مهم‌ترین عوامل می‌توان به افراد، فرآیند، فناوری و تامین مالی و دیگر عناصر و عوامل اشاره کرد که آن‌ها را در دسته بندی زیر در سطوح کلی زیر ارائه می‌نماییم.

چالش‌های اساسی نوظهور در تغییر رویکردهای اجتماعی-فرهنگی در پیوست فرهنگی:

۱. تغییر پارادایم از «انسان برای تولید فرهنگ» به «فرهنگ برای تربیت انسان».

۲. دگرگونی محیط زیست از طریق سه گانه طبیعت، فناوری و فرهنگ.

۳. دگرگونی نظم نوین جهانی در نتیجه انقلاب‌های فکری و ایدئولوژیکی.



#### ۴. سیاست‌گذاری های قدیمی و ناکارآمدی دولت ها در اجرای آن

تقسیم بندی های فوق را از تنوع شاخصه های چالش برانگیز در تدوین استراتژی سازمان با رویکرد فرهنگ بدین شکل ارائه نمودیم که در آن اولویت دار ترین و محوری ترین عنصر که مبنای تمام تصمیمات بعدی است « انسان » می باشد. از آنجایی که انسان هم تولید کننده فرهنگ و هم متأثر از فرهنگ است آن به عنوان مهم ترین پارادایم این پژوهش ارائه می گردد. از سوی دیگر با توجه به اینکه رشد فناوری ، همواره در تغییر محیط و فرهنگ تاثیرگذار بوده است ، نمی توان نقش آن را در تاثیرگذاری در اکوسیستم های نوپدید نادیده گرفت . و در نهایت انسان به عنوان فردی تاثیرگذار و تاثیر پذیر در طبیعت و فناوری ، نظم نوینی را پدید می آورد که تشکیل دهنده تفکرهای جدید و ایجاد انقلاب های فکری می باشد که هر یک به تنهایی می تواند در ایجاد اکوسیستم های نوآوری نوپدید موثر باشد . همینطور دولت ها نیز نمیتوانند خود را با سرعت تغییرات جهانی تطبیق داده و سیاست هایی متناسب با پیوست فرهنگی روز را تبیین نمایند .

در نهایت می خواهیم به طور خلاصه بررسی کنیم که چگونه این یافته ها می توانند برای توسعه یک اکوسیستم نوآوری به کار روند. برای نمونه هایی از اقدامات هدفمند، ما فقط بر سطح سیستم تمرکز می کنیم، جایی که طراحی اکوسیستم نوآوری دنبال می شود. و گروه های رسمی و غیر رسمی و نهادهای مردمی که در این سطح عمل می کنند . (Wallner.2011) مدل سیستم های باز نه تنها یک الگوی سازمانی برای مقابله با چالش هایی که سازمان ها در خط مشی گذاری با آن مواجه هستند، فراهم می کند بلکه می تواند به عنوان چارچوبی برای شکل دادن به اقدامات به منظور تغییر فرهنگ اکوسیستم نوآوری عمل کند. سیاست گذاران به طور کلی و مشاوران خط مشی گذار خود ، مسئول طراحی و اجرای برنامه های توسعه منطقه ای باید بدانند که مجموعه ارزش های فرهنگی مرتبط با نوآوری در تقابل با نگرش محافظه کارانه یا پارادایم مدیریت نئوکلاسیک است. نشانه هایی وجود دارد که اصول رویکرد سیستم های باز با ویژگی های یک فرهنگ نوآور منطبق است. مدیران نوآوری سازمانی با هدف تقویت فرهنگ نوآورانه سازمان خود باید اجرای اشکال جدیدی از سازماندهی کارگری را مد نظر قرار دهند که به فرد به عنوان یک سیستم باز احترام بگذارد. سیستم های کاری با کارایی بالا که در نتیجه گیری نهایی این پژوهش بدان ها پرداخته می شود.

از آنچه ذکر شد چنین می توان جمع بندی نمود که بسیاری از عوامل بیرونی و درونی در حاکمیت ها می تواند در تدوین استراتژی فرهنگی مبتنی بر فرهنگ عمومی موثر باشد که در اینجا چند نمونه کلیدی آن ها را که در راستای عملیاتی کردن پیوست فرهنگی در برنامه ریزی فرهنگی کشور موثر می باشند. در این میان شناسایی نقش آفرینان و



ذینفعان در اکوسیستم مدیریت فرهنگی، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ هنرمندان، سازمان‌های فرهنگی، مراکز علمی و دانشگاه‌ها و ذینفعان نقشی مهم در این راستا دارند.

پس از شناسایی عوامل موثر، تقویت همکاری بین بخشی و تشویق تعاملات بین بخش‌های فرهنگی و سایر صنایع مانند فناوری، طراحی و کارآفرینی می‌تواند در اجرای خط مشی گذاری‌ها با پیوست فرهنگی موثر باشد. این کار را می‌توان از طریق مشارکت، پروژه‌های مشترک یا حتی رویدادها و کنفرانس‌های بین بخشی انجام داد. در این اثنا نیز نباید از نقش بی‌بدیل فناوری و رشد و پیشرفت آن غافل ماند، از فناوری برای تقویت شیوه‌های مدیریت با پیوستار فرهنگی می‌توان استفاده کرد. این می‌تواند شامل استفاده از ابزارهای نوین ارتباطاتی برای تعامل با مخاطب، تجزیه و تحلیل داده‌ها برای تصمیم‌گیری، واقعیت مجازی برای تجارب فرهنگی مستقل و بسیاری گزینه‌های دیگر باشد.

### ارزیابی، تکرار و بهبود مستمر

برای ارزیابی فرهنگی طرح‌های مختلف نیاز به شاخص وجود دارد که در نظام نامه پیوست فرهنگی آورده شده است. در ماده ۲ نظام نامه مصوب شورا، شاخص‌های فرهنگی به متغیرهای اصلی و مهمی اطلاق شده که بر اساس شاخص‌های نقشه مهندسی فرهنگی در فرایند تبیین آثار و پیامدهای فرهنگی، راهکارهای اصلاحی و اعمال ارزشیابی و نظارت بر فرآیند تهیه، تدوین و اجرای پیوست‌های فرهنگی تعیین شده و با روش علمی اندازه‌گیری و برای تعیین میزان موفقیت اجرای پیوست فرهنگی و آثار آن در فعالیت‌های استناد می‌شود (عامری ۱۳۹۳: ۱۵۷). در واقع این مکانیسم تعریف شده در نظام نامه پیوست فرهنگی برای اندازه‌گیری تأثیر شاخص‌های کلیدی عملکرد، انجام ارزیابی‌ها و جمع‌آوری بازخورد از ذینفعان برای ارزیابی اثربخشی طرح‌ها و ایجاد بهبودهای مبتنی بر داده موثر هستند. حال اگر بخواهیم آن را ضمن ارزیابی مستمر به عنوان یک فرآیند مداوم نیز جریان‌سازی نماییم باید به طور مستمر به دنبال بازخورد بوده و از تجربیات آموخت و در تدوین خط‌های آتی به پیش‌بینی چالش‌ها و فرصت‌های نوظهور رسید.

### نتیجه‌گیری

از برآیند این پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که تحقق پیوست فرهنگی در استراتژی فرهنگ عمومی مستلزم پرورش حس پیوند، غرور و تعامل با میراث فرهنگی یک جامعه یا جامعه است. در اینجا چند راه حل عملی برای ترویج پیوست فرهنگی پیشنهاد شده است:

۱) آموزش و آگاهی فرهنگی:



دولت ها با جدیت در امر آموزش فرهنگی در برنامه های درسی مدارس می توانند اطمینان حاصل کنند که جوانان از سنین پایین در فراگیری و شناخت اهمیت داشته های فرهنگی خود قرار می گیرند. همچنین برگزاری کارگاه ها، سمینارها و سخنرانی های عمومی برای افزایش آگاهی عمومی در مورد اهمیت و ارزش فرهنگی سنت ها، آداب و رسوم و اشکال هنری محلی امری مهم و لازم به نظر می رسد. این قبیل برنامه ریزی های آموزشی می تواند سواد فرهنگی را توسعه داده و دانش عمیقی در مورد تاریخ، ارزش ها و سنت های جامعه ارائه دهد.

(۲) رویدادها و جشنواره های فرهنگی:

رویدادهای فرهنگی، جشنواره ها و نمایشگاه هایی را که میراث متنوع جامعه را ارج می نهد و به نمایش می گذارند، می تواند ارتباط خوبی بین دولت و مردم ایجاد نماید. مثل جشن های ملی و باستانی و مذهبی و با مشارکت اعضای جامعه در برنامه ریزی و سازماندهی این رویدادها دولت ها باید به گونه ای رفتار نمایند که مردم حس مالکیت به آن داشته باشند. ترویج تبادل بین فرهنگی از طریق اجرای نمایش ها، نمایشگاه ها و ارائه ها از گروه های فرهنگی مختلف مردمی، راهکاری مناسب در این زمینه است.

(۳) زیرساخت ها و فضاهای فرهنگی:

سیاستگذاران و طراحان راهبردهای فرهنگ عمومی کشور اگر در توسعه و نگهداری زیرساخت های فرهنگی مانند موزه ها، گالری های هنری، تئاترها و مراکز اجتماعی سرمایه گذاری کرده و مردم را از این مسئله آگاه نمایند و فضاهای قابل دسترس برای فعالیت های فرهنگی، نمایش ها و نمایشگاه هایی که تنوع جامعه را منعکس می کند، فراهم نمایند. بی شک شاهد تاثیرات شگرف آن خواهند بود. استفاده از ظرفیت هنرمندان، صنعتگران و سازمان های فرهنگی محلی و همکاری با آنان تا فرصت هایی را برای آنها ایجاد می کند تا آثار خود را به نمایش بگذارند و با مردم تعامل کنند و جریان ساز فرهنگی کشور باشند.

(۴) حفاظت و مستندات فرهنگی:

حمایت از ابتکارات برای حفظ و مستندسازی میراث فرهنگی، از جمله صنایع دستی سنتی، زبان ها، موسیقی و آیین ها. ایجاد آرشیو میراث فرهنگی یا بسترهای دیجیتالی برای ذخیره و به اشتراک گذاری اطلاعات در مورد دارایی های فرهنگی جامعه. اعضای جامعه را تشویق می کند تا از طریق پروژه های تاریخ شفاهی، داستان سرایی و انتقال دانش بین نسلی، فعالانه در تلاش های حفظ مشارکت کنند.

(۵) مشارکت و مشارکت جامعه:



مشارکت دادن اعضای جامعه در فرآیندهای تصمیم‌گیری مرتبط با سیاست‌ها، برنامه‌ها و ابتکارات فرهنگی. با تشویق پروژه‌ها و ابتکارات فرهنگی تحت رهبری جامعه، احساس مالکیت و غرور را تقویت کنید. تسهیل گفتگو و همکاری بین نسلی برای اطمینان از انتقال دانش و شیوه‌های فرهنگی.

(۶) گردشگری فرهنگی و تبلیغات:

توسعه ابتکارات گردشگری فرهنگی که جنبه‌های فرهنگی منحصر به فرد جامعه را برجسته می‌کند. همکاری با صنعت گردشگری برای ترویج مکان‌های میراث فرهنگی، هنرهای سنتی و صنایع دستی و رویدادهای فرهنگی محلی. ارائه آموزش و حمایت از مشاغل و صنعتگران محلی برای افزایش ظرفیت آنها برای بهره‌مندی از گردشگری فرهنگی.

(۷) پلتفرم‌های دیجیتال و فناوری جدید:

از پلتفرم‌ها و فناوری دیجیتال برای ترویج و انتشار محتوای فرهنگی، از جمله تورهای مجازی، نمایشگاه‌های آنلاین و منابع آموزشی می‌توان استفاده کرد. تجارب دیجیتالی تعاملی و جذابی را ایجاد کنید که به افراد امکان می‌دهد آثار و سنت‌های فرهنگی را کشف کرده و با آنها تعامل داشته باشند. از رسانه‌های اجتماعی و استراتژی‌های بازاریابی دیجیتال برای دستیابی به مخاطبان گسترده‌تر و ایجاد علاقه به صحنه فرهنگی محلی استفاده کنید.

### منابع

- [۱] استوری، ج. ترجمه: پاینده، حسین. مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، نشر آگه، تهران، چاپ پنجم ۱۳۹۷.
- [۲] رشیدپور، ع و مرادی، ع. اقتصاد فرهنگ و هنر، نشر فارسیران، تهران، چاپ اول ۱۳۹۹.
- [۳] عامری، د. پیوست فرهنگی، وزارت دفاع، تهران، چاپ اول ۱۳۹۳.
- [۴] بنیادی نائینی، ع و دیگران. کلیاتی بر مهندسی پیوست فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول ۱۳۸۸.
- [۵] نقشه مهندسی فرهنگی کشور
- [۶] نظام‌نامه پیوست فرهنگی کشور

[1] gharajedaghi J, Systems Thinking: Managing Chaos and Complexity A Platform for Designing Business Architecture , ۳rd ed, ISBN ۰-۳۸۵۹۱۵-۱۲-۰-۹۷۸, USA Morgan Kaufmann is an imprint of Elsevier 2011.

[2] Pohlmann M, Gebhardt C. The Development of Innovation Systems and the Art of Innovation Management—Strategy,## Control and the Culture of Innovation . Journal of Technology Analysis & Strategic Management Vol. ۱۷, No. ۱, ۱-۷, March 2005.



- [3] Wallner T, Menrad M. Extending the Innovation Ecosystem Framework. Journal of r Austria University of Applied Sciences, School of Business 2011.
- [4] Kotkova Striteska M, Dynamic Innovation Strategy Model in Practice of Innovation Leaders and Followers in CEE Countries—A Prerequisite for Building Innovative Ecosystems Sustainability 2020.

### **The necessity of implementing cultural attachment In formulating the country's general culture strategy**

#### **Abstract**

In today's vast and turbulent world and due to the progress of science and technology and the rapid access and communication of the people of the world with each other, cultural diversity has become one of the most important issues of different societies and has caused the emergence of new and multilayered cultures that can be Shaping new biological methods will be effective in the not-so-distant future. Meanwhile, public culture, as one of the most important elements of society, plays a fundamental role in creating empathy and peaceful coexistence between different ethnicities and religions. Therefore, it is necessary to pay attention to the cultural attachment in the strategy of public culture. Cultural attachment means paying attention to cultural diversity in cultural planning. Politicians and cultural and artistic planners of the country should take into consideration all aspects of the cultural attachments of the society to adopt and implement the decisions and cultural strategies of the country. This can be done through various measures such as education, information, and cultural programming. In this article, the importance of cultural attachment in the strategy of public culture is discussed first. Then, practical solutions to realize this importance are presented and the result of the present research is to explain the importance and necessity of implementing cultural attachment in the strategic cultural and artistic planning of the country.

**key words:** Cultural attachment, cultural strategy, general culture, culture, cultural and artistic strategic planning of Iran